

۱۶ آذر، روز دانشجو ...

"۱۶ آذر" امسال در شرایطی فرا میرسد که تمام دانشگاهها توسط خا میان سرمایه به زنجیر کشیده شدهاند. در شرایطی که دهها هزار دانشجو از دانشگاهها یشان رانده شدهاند و به صفوف میلیونی بیکاران پیوستهاند، در شرایطی که جنگ ارتجاعی غیر عادلانه بین ایران و عراق همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده و روز بروز شکاف بین انقلاب و ضد انقلاب را عمیقتر و وسیعتر میکند.

سال پیش در چنین روزهایی دانشجویان فریاد میکشیدند و یورش فاشیستی رژیم را به خلق قهرمان کرده خلقی که در راه خودمختاری پیشقدم بود محکوم مینمودند. آنها همچون زمان دیکتاتوری شاه در صفوفی بهم فشرده اسناد محکومیت رژیم را رو میکردند.

اما امسال، علیرغم گنج سربهایی که دامنگیر نیروهای چپ شده تا حدی که بجای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در صدد "دفاع از مین" سرمایه داری بر آمدهاند، علیرغم رخ نداشتن اکثریت (وروکوردن آنها به حکومتگران و شتاب وحشتناکشان به سقوط در منجانب رفورمیسم و رویزیونیسم، نبودن یکی از سنگرهای عمده میسارزه - دانشگاه - در ترک تازیهای بیشرمانه رژیم نقشی اساسی بازی میکند.

اگر "۱۶ آذر"ها و "۱۳ آبان"ها داغهای سنگی هستند بر چهره منفور حکومت شاه، روزهایی همچون "اول اردیبهشت" امسال، روزیکه عملی حساب شده رژیم سبب مقاومت سراسری دانشجویان گردید، تا حدی که دانشجویان شب و روز از سنگرشان دفاع کردند و حماسهها آفریدند فراموش نشدنی و جاوید خواهد ماند.

مقاومت یکپارچه دانشجویان دانشگاه تربیت معلم همچون خاری در چشم رژیم فرو رفت، بطوریکه فردای روزهای درگیری مردم فوج به زیارت مستدقهر ارتجاعی و خشونت حکومتگران میپرداختند.

با مسلسل بستن بستن دانشجویان دانشگاه "جندی شاپورا هواز"، دستگیری صدها دانشجو مدافع "باز بودن دانشگاه"، تجاوز به دختران دانشجو، اعدامها و دهها نمونه دیگر، تماما گواه بر یک چیز است: "ترس و وحشت مرکباً حکومتگران از افشاء شدن".

و... وای، روزها در تاریخ ثبت میشوند و سیاههای را بوجود میآورند که با قهروری خشم آکنده و توفنده به بستن پروندهای حکومت سرمایه داران منجر خواهد شد. آذر رژیم با مشت به دهان آزادیخواهان

میکوبد، اگر مشتهای گره کرده را با مسلسهای پاسدارانش جواب میکوبد، اگر با انتساب تیمسارهای آریا مهری و سرکوب خلق عرب زمینها ز جنگی اینچنین خاتمان برانداز میشود، اگر چشم دیدن دانشجو و دانشگاه را ندارد، اگر با علم کردن "دانشجویان خط امام"، مرگ را به بازی میکوبد، چه باک! که مردم مساجد تجاری برپا را زسرنگونی دیگرها میان سرمایه اندوختهاند که در پرتو سمتیابی صحیح میتوانستند منجر به ایجاد جامعهای عساری از ستمهای جامعه سرمایه داری گردد.

دانشجویان نیز در جریان تسخیر دانشگاه توسط جما قدرات، پاسداران و عمدهای از مردم تحریک شده آموختند که نداشتن ارتباط توده ای وسیع، نداشتن پایگاهی استوار در میان مردم چگونه میتواند در عرصه میسارزه طبقاتی، زمانیکه ضد انقلاب به آخرین دستاویزهایش متشیت میشود زیان بخش باشد و چگونه سببی پشتیبان ماندن و در نتیجه ضربه پذیر شدن، میگردد و رفع این نقص را در سرلوحه برنامه مبارزاتیان قرار دادند.

اکنون که حرکت اعتراضی مردم مسرود تا به احتمال زیاد خیزش جنبشهای خودبخودی را موجب گردد، بر دانشجویان است که با آغاز "اتحاد عمل" بر سر مسایل اولیه اساسی - بدون درگیر شدن بر سر جزئیات - مانند بازگشایی دانشگاهها، راهپیماییهایی با شعارهای مشخص حول بازگشایی دانشگاهها و... زمینه ای اتحال حرکت اعتراضی مسرود و حرکت دانشجویی را فراهم سازند.

بر دانشجویان است که در شرایط فعلی که صدها هزار دانش آموز خوزستانی بی مدرسه ماندهاند، مدارس کردستان تعطیل اند و دانش آموزان دهها مدرسه در حال تحصن اند و با مدارسشان در آستانه انحلال بسر میبرند در تعمیق و ریشه یابی مسایل دانش آموزی و هم چنین در پیوند هر چه بیشتر با جنبش دانش آموزان بکوشند.

- * برافراشته تر با دهرچم سرخ مبارزات دانشجویی، دانش آموزی
- * پیش بسوی پیوند دادن جنبش دموکراتیک و سوسیالیستی
- * مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری